

یادداشت

کارون از تن اهوازی هارد می شود

[مهمیار معین]

قاب اول: کارون در خانه

لطفاً چشم‌هایتان را ببندید و خیال کنید ساعت ۶ صبح است. در اهواز هستید و می‌خواهید روزتان را با حمام شروع کنید. آب را باز می‌کنید و بوی تند فاضلاب مجبورتان می‌کند ناخودآگاه تن خود را از زیر جریان آب دوش کنار بکشید. خب. بعدش باید جای صبحانه را دم کنید. در آشپزخانه، شیر آب را باز می‌کنید که مایعی قهوه‌ای رنگ، با بوی کنایی، شور (و چرب!)، با ضرباهنگی خاص (مگر نه اینکه هر چیزی در جنوب با ریتم منحصربه‌فرد یک دمام نامرئی در حرکت است؟!)، پت‌پت‌کنان بیرون می‌آید. خب. گیریم روی کیفیت جای خود (و آبی که می‌نوشید) حساسید، پس با این آب نمی‌شود! چه می‌کنید؟ اگر پول دارید می‌روید یک میلیون تومان ناقابل دست‌گاہ تصفیه آب می‌خرید و فیلتر و غیره. اگر ندارید، مغازه‌هایی هستند به اسم فروشگاه آب تصفیه صنعتی! بشکه‌های «الیتری پلاستیکی می‌خرید و می‌روید با ماشین آب بی‌رنگ و بی‌بو (توصیف فیزیکی کلاسیک هاش - دو-ا) می‌خرید. باز اگر ندارید باید از آب فروشان دوره‌گرد بخرید! یا به همین آب شیر بسنده کنید. (چون دارید روزنامه می‌خوانید پس لابد کمی پول و فراغت دارید و من فرض می‌کنم آب تصفیه به شما می‌رسد). بعد از صرف جای و صبحانه لباس می‌پوشید و می‌آیید توی حیاط که بروید دنبال یک لقمه نان. به حیاط که می‌رسید صدای موتور هواپیمای می‌آید. نه یکی. چندتا! اینها هم ریتم بخصوصی دارند. روزه می‌کشند و خاموش می‌شوند دوباره از تو). صدای چیست؟ صدای پس‌زمینه شهر؛ صدای پمپ آب. بله. آب فشار کافی ندارد. باید پول بدهید پمپ بخرید تا آب مرغوب فوق‌الذکر برسد به لوله‌های خانه. البته این یعنی وقتی برق برود (بله! اهواز قطع برق مکرر دارد!) آب هم نخواهد بود چون پمپی دیگر کار نمی‌کند. می‌گویند آب شرب اهواز منابع دیگری دارد که از بالادست کارون تأمین می‌شود (طرح آب‌رسانی غدیر یا آب حیات شوشتر). تا جایی که به مردم مربوط می‌شود اسم همه اینها هم کارون است و کارون حالش خوب نیست چون آبی که می‌نوشند و وضعش این است!



مرضیه لریکی

گفت‌وگو با محمد احسانی، مستندساز، درباره کارون

جادوی آمیخته با اندوه

[شادی خوشکار] رود خروشان است و میانه دره‌ها را پر کرده، جاری است و با خودش سرسبزی می‌آورد و هلهله و رنگ. رود پایین می‌رود و هر جا در مسیر زخمی به تنش می‌نشیند، تا جایی که وقتی به پایین دست می‌رسد دیگر رمقی برایش نمانده است. رود، کارون است. کارون بزرگی که از کوه‌های بختیاری شروع می‌شود و به خلیج فارس می‌رسد. روایتی که محمد احسانی، مستندساز از کارون دارد، روایتی کلی است که این رود را از سرشاخه تا انتها دنبال می‌کند. سفری که فیلم ما را با خود به آن می‌برد، در هر نقطه بخشی از مسائلی که وضع فعلی کارون را رقم زده، نشان می‌دهد. کارون در این فیلم فقط یک رود نیست، اگرچه مسائل محیط‌زیستی دغدغه کارگردان است. کارون یک نشانه است که بخشی از فرهنگ و تمدن اطراف آن شکل گرفته. نگاه کارگردان هم زمان با نگاه آسیب‌شناسانه نسبت به شرایط کارون، نگاهی مردم‌شناسانه است و از پیوند مردم با این رود غافل نیست. احسانی که پیش از کارون فیلم‌هایی با موضوع محیط‌زیست ساخته است، می‌گوید کارون جادویی دارد که در جاهایی با اندوه گره خورده است.

●●● چه شد که تصمیم گرفتید درباره کارون فیلم بسازید؟

این برمی‌گردد به مجموعه کارهایی که از سال ۹۳ داشتم و تمرکز کردم روی کارهای محیط‌زیست و در واقع یک نوع محیط‌زیست اجتماعی و مردم‌شناختی. با فیلم دریاچه ارومیه به نام «بانوی ارومیا» شروع شد و بعد فیلم روزگار هامون را درباره هامون و فیلم دود را درباره آلودگی هوای تهران ساختم. نهایتاً این روند به فیلم کارون ختم شد. کارون شاید مهم‌ترین چالش و دغدغه محیط‌زیستی در ایران است. اما همان طور که در فیلم‌های قبلی‌ام هم بوده مسأله من این نبود که فقط موضوعات محیط‌زیستی را مطرح کنم و بخواهم زشتی‌ها و آسیب‌ها را در این فیلم نشان دهم. سعی کردم در کنار آسیب‌هایی که رودخانه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران در نتیجه سوء‌مدیریت دچار شده‌اند، به بخش دیگری هم بپردازم که همان زیبایی‌های از دست رفته است. این زیبایی‌ها به نوعی دربرگیرنده فرهنگ آن مناطق و رودخانه‌ها و تالاب‌هاست که با این‌ها و موسیقی و رقص و آواز همراه است. کارون رودی بود که در گذر زمان در کنار آن تمدنی شکل گرفت و این فیلم در پس‌زمینه به تمدن‌های کارون در گذشته هم نگاه می‌کند. سعی کردم تلفیقی بین مسائل محیط‌زیستی و فرهنگی و اجتماعی ایجاد کنم. اما از نظر ساختار هنری و سینمایی در تمام این فیلم‌ها و به‌خصوص کارون دنبال این بودم که بین ساختار هنری و شاعرانه و موضوع اجتماعی و محیط‌زیستی هماهنگی برقرار کنم که کار خیلی سختی بود.

●●● در اوایل فیلم که از کوه‌رنگ شروع می‌شود و درباره مردم بختیاری است فیلم لطافت بیشتری دارد و به گفته شما شاعرانه‌تر است و هرچه پایین‌تر می‌آید فیلم زمختی بیشتری دارد. آیا این ساختاری بود که انتخاب کرده بودید یا اینکه شرایط رودخانه در این مکان‌ها شما را به این سمت سوق می‌داد؟

در واقع هر دو با هم اتفاق افتاد. شروع فیلم که صحنه عروسی است و با هلهله و شادی شروع می‌شود می‌تواند استعاره از شکل‌گیری این رود در زدکوه بختیاری باشد که با شادی و سرود زندگانی آمیخته است. اگر به رود قالب عاطفی و انسانی بدهیم، با یک شور حرکت می‌کند اما وقتی پایین می‌آید رفته رفته این مسافر شادمان و زندگی بخش در هر منطقه آسیبی به پیکرش وارد می‌شود. یک جابجایی انتقال آب است که یک سوم قدرتش را از آن می‌گیرند و پایین‌تر به سدهای بی‌شماری برخورد می‌کند که باز هم بخشی از قدرت و شادمانی‌اش را از دست می‌دهد. پایین‌تر که می‌آید فاجعه‌بارتر می‌شود و فاضلاب و نخاله‌های صنعتی به آن واریز می‌شود و رود تبدیل به شبکه فاضلاب می‌شود. روزگاری با آب‌های خروشان این رود نخلستان‌ها شکل می‌گرفتند اما همه اینها الان نابود شده‌اند.

یعنی وقتی به پایین می‌رسد نعلشی از این رود می‌ماند و طبیعتاً شرایط رود وقتی شکل می‌گیرد بازمانی که در پایان با مصائب گرفتاری می‌شود متفاوت است.

●●● قبل از ساخت این فیلم از کارون چه می‌دانستید و آیا وقتی با آن مواجه شدید با تصورتان فرق داشت؟

قبل از اینکه شروع به ساخت فیلم کنم، فقط چیزهای کلی از کارون می‌دانستم و با تحقیقات و پژوهش‌ها می‌دانستم این رود رفتار مشکلات و مصائبی است. اما وقتی سفرهایم را شروع کردم، با جادویی روبه‌رو شدم. این رود در پیچ‌وخم‌هایی که طی می‌کند، جادویی در خود دارد. جادویی که آمیخته با اندوه است. این سحر در آتش هست، روزگاری این سحر و جادو با تصاویر رویاگون و ولنت بخش همراه بود، اما امروز به علت مسائلی که برای آن پیش آمده، تبدیل به جادویی تلخ و سیاه شده است. من هم دنبال این بودم که این اندوه را در فیلم منتقل کنم.

●●● در بخش‌های مختلفی از فیلم مردم محلی را وارد کرده‌اید، البته در انتهای

فیلم که کارون به خوزستان می‌رسد، حضور مردم بیشتر است، تجربه‌تان در مواجهه با مردم چه بود و آنها چه واکنشی به شما و ساخت فیلم داشتند؟

آنها به ساخت فیلم درباره کارون اهمیت می‌دادند. اما این مسأله با بغض و ناامیدی همراه بود. می‌گفتند خیلی خوب است که می‌خواهید حرف‌های ما را درباره کارون بشنوید و دردهای ما را گوش کنید، اما خیلی‌ها آمدند از ما فیلم گرفتند و پخش کردند. ولی اثرگذاری نداشت. من می‌گفتم این فیلم مستند است و قرار است بیشتر دیده شود. مردم هم همراه بودند. یکی از جاهای تأثیرگذار از مواجهه مردم صحنه‌ای است که مردی کنار رودخانه ایستاده است و می‌گوید من از روزی که به دنیا آمدم، بیشتر از صد متر با کارون فاصله نداشتم و وقتی کارون به این وضع افتاد، نشستم برایش گریه کردم. مردم خیلی ناامید بودند و بهبود شرایط کارون امید نداشتند.

●●● فیلم شما از سرچشمه کارون شروع می‌شود، چرا فکر کردید کارون را باید از بالادست دید؟

من دنبال چیز کاملی بودم. فیلم، مسیر کارون را از سرشاخه تا خلیج فارس دنبال می‌کند و در این مسیر در ایستگاه‌هایی که در آن می‌ایستیم، نگاهی هم به آسیب‌های محیط‌زیستی، تمدن و فرهنگ آن می‌اندازد. البته انتقادهایی به من شده که به جای این کار یک جامی ماندید و عمیق‌تر می‌شدید. هدف من این بود که سفری با این رود داشته باشیم و وضعیتش را ببینیم. اما فرصتی برای عمق پیدا کردن و پرداختن به جزئیات نبود.

●●● بعد از اینکه فیلم تمام شد، سراغ کارون رفتید یا اخبارش را دنبال کردید؟

در مطبوعات و گزارش‌ها بله، ولی اینکه بخواهم دوباره سراغش بروم نه. این سیل اخیر که آمد و وضع کارون را دگرگون کرد، با خودم فکر کردم خیلی جالب است که شرایطی برای کارون رخ داده که تغییر رفتار داده است. سیل که باید به این رود زندگی می‌بخشید باعث طغیان آن شد و رودخانه حالت نابودگر به خود گرفت. به علت این اتفاقات شاهد تغییر رفتار در رود هستیم که این هم به یکی از ناورهای مردم جنوب و مراسم زار برمی‌گردد، انگار در جسم این رود جن یا روح خبیثی رفته که باعث این تغییر رفتارهاست و هم‌ااش دارد چنگ می‌زند. موسیقی پایانی فیلم هم موسیقی زار مربوط به آبادان است. آن آشفتنی پایان فیلم برمی‌گردد به موسیقی که تلاش می‌کند تا این روح خبیث را از تن بیمار این رود بیرون بیاورد. فیلم با یک زن به پایان می‌رسد که شاید تنها نقطه امید فیلم است. تنها کسی است که همچنان امید دارد و سعی می‌کند نخلستان‌ها را سیرانگه دارد.

●●● چرا درباره محیط‌زیست فیلم می‌سازید؟

این یک اتفاق بود. اصلیت من تبریزی است و دریاچه ارومیه که سال ۹۳ خشک شد، فکر کردم بهتر است درباره این دریاچه فیلم بسازم. طبیعت در خود جاذبه‌ای دارد که وقتی کسی سمتش می‌رود، دیگر تورا اول نمی‌کند. یک دفعه تورا را به سمت خود می‌کشند، مثل جاذبه که باها پیمان را روی زمین نگه داشته. زمین فیلم‌سازها را هم با جاذبه‌ای نگه می‌دارد و می‌گوید حال ما خوب نیست، بلکه بتوانیم تأثیری بگذاریم.

●●● ساخت فیلم مستند درباره محیط‌زیست چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

مسائل محیط زیستی یکی از ۱۰ مورد اصلی جهان شده، آلودگی هوا و خشک شدن تالاب‌ها چیزی مربوط به ایران نیست؛ کارگردان‌های مطرح دنیا فیلم‌های محیط‌زیستی می‌سازند و در فستیوال‌های مهم مطرح می‌شود، مطمئناً این کار بی‌تأثیر نیست، اما تأثیرش در کشورها فرق می‌کند. در کشور ما در تصمیم‌گیری‌ها اثری نداشته، ولی حساسیت‌ها را بالا برده است. این فیلم‌ها هم در کنار کنشگران محیط‌زیست می‌تواند تأثیرگذاری‌هایی داشته باشد. □

□ یکی از جاهای تأثیرگذار از

مواجهه مردم صحنه‌ای است که مردی کنار رودخانه ایستاده است و می‌گوید من از روزی که به دنیا آمدم، بیشتر از صد متر با کارون فاصله نداشتم و وقتی کارون به این وضع افتاد، نشستم برایش گریه کردم. مردم خیلی ناامید بودند و به بهبود شرایط کارون امیدی نداشتند



قاب سوم: کارون در خروچی شهر

کارون در جایی که از اهواز می‌رود از «کانتکس» و «کوت عبدالله» رد می‌شود. اگر تصویری از گاو‌میش‌های آبی اهواز دیده‌اید مال این قسمت است جایی که زندگی آدم‌ها مستقیماً به تن رود وصل می‌شود. نگویم که طغیان کارون با زندگی این مردم چه کرد (هنوز اثراتش هست). نگویم که شوری و میکروب‌ها و باکتری‌ها چه به روز گاو‌میش‌ها آورد که باید هر روز آبتنی کنند. نگویم از محرومیت مردمی که جرم‌شان این است که در پایین دست رودخانه زندگی می‌کنند. بله. کارون یک کارون نیست. کارون هر چه به سمت جنوب می‌رود تغییر چهره می‌دهد چون هر چه به پایین دستش می‌رسیم کثیف‌تر و کدرتر است. □

